irannewspaper.ir

پنجشنبه ۱۰ خرداد ۱۴۰۳ • سال سی‌ام • شماره ۸۴۷۶
• اذان ظهر ۱۲/۰۲ • اذان مغرب ۱۹/۳۵ • نیمه شب شرعی ۲۳/۱۰ • اذان صبح فردا ۰۳/۰۶ • طلوع آفتاب فردا ۰۴/۵۰

«ایران» را در صفحه‌های مجازی دنبال کنید

ایران

• **صاحب امتیاز:**
خبرگزاری جمهوری اسلامی
• **سرپرست مؤسسه فرهنگی - مطبوعاتی ایران:**
احسان صالحی
• **سردبیر:**
حسام‌الدین برومند

• **تلفن:** ۸۸۷۶۱۷۲۰ نمابر: ۸۸۷۶۱۲۵۴ ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵
• **پیامک:** ۳۰۰۰۴۵۱۲۱۳ روابط عمومی • **نشانی:** تهران خیابان خرمشهر،شماره ۲۰۸
• **صندوق پستی:** ۱۵۸۷۵-۵۳۸۸ • **امور مشترکین:** ۸۸۷۴۸۸۰۰
• **چاپ:** چاپخانه‌های همشهری
• **سازمان آگهی های روزنامه ایران:** دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT
• **پذیرش سازمان آگهی‌ها:** ۱۸۷۷(۰۲۱)
• **انتشارات مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران:** ۸۸۵۴۸۸۹۲-۵

باید که از آتش گذر می‌کرد آن مرد
مانند ابراهیم رد می‌شد از این درد
دردی که در چشمان آذر بایجان بود
زخمی که از طوفان سرخ ورزقان بود
باید گذر می‌کرد مانند سیاووش
در باد و طوفان می‌شنید آواز چاووش

ملک تاج گرجی‌نیا

سخن‌روز

امام جعفرصادق(ع):

کسی که در راه خدا به شهادت برسد خداوند او را بر هیچ یک از گناهانش مطلع نخواهد ساخت.

وسائل، ج ۱۱، ص ۹

نگاره

رفح در آتش

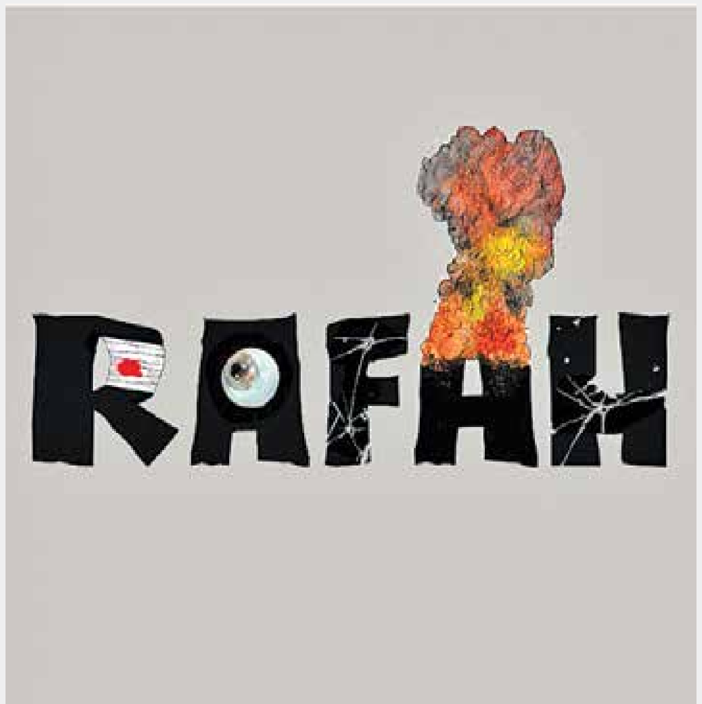

طرح: مسعود شجاعی

فضای مجازی

همه چشم‌ها به «رفح» است

ALL EYES ON RAFAH

هنرمندان و سینماگران ایرانی در محکومیت حمله وحشیانه رژیم‌صهیونیستی به «رفح» در کنار بیش از ۴۰ میلیون کاربر به پویش «همه چشم‌ها به رفح است» پیوسته‌اند.

هنرمندان با انتشار استوری جداگانه در کنار پیوستن به این پویش، حمله و اقدام وحشیانه رژیم اشغالگر قدس را محکوم کردند، همچنین بسیاری از چهره‌های هنری همچون حامد بهداد، روح‌الله حجازی، کامران حجازی، یوسف حاتمی‌کیا، محسن کیایی، امیرجعفری، صابر ابر، لیندا کیانی، محمدحسین قاسمی، علی مردانه، صدف استهبدی، کاظم دانشی، عباس جمشیدی‌فر، میلاد کی‌مرام، الهه حصاری، ارسلان قاسمی، آزیتا موگویی، حسین سلیمانی، نیما جاویدی، مجیدرضا مصطفوی، مجیدرضا مطلبی، تورج اصلانی، رضا گوران، رامتین لوافی، دیبا زاهد، علی صالحی، ندا جبرئیلی، ابوالفضل صفاری، حسین دوماری، الناز ملک، علیرام نورایی، نوید محمودی، منیژه حکمت، مازیار لرستانی، بهرنگ علوی، الناز حبیبی، اسدالله یکتا، مریم بوبانی، حسین مهری، کمال تبریزی، وحید آقاپور، رامبد جوان، شاهد احمدلو، مژده لواسانی، لاله اسکندری، هانیه توسلی، پوران درخشنده، سام کبودوند، امیر کربلایی‌زاده، سینا حجازی، توحید معصومی، محسن چاووشی، رامتین شهبازی، مازیار میری، محراب قاسم‌خوانی، طناز طباطبایی، شبنم قلیخانی، مهرداد صدیقیان، محمد شایسته، ارسطو خوش‌رزم، پریناز ایزدیار، بهنوش طباطبایی و... تصویر ساخته شده توسط هوش مصنوعی را با عنوان «همه چشم‌ها به رفح است» منتشر و در این پویش شرکت کرده‌اند.

• • •

مدعیان حقوق بشر ننگ بر شما

فرزانه قربانی شاعر، در واکنش به جنایات اسرائیل در رفح نسبت به تیتر بی‌بی‌سی با عنوان «مردم گرفتار در چادرهای رفح زنده زنده در آتش سوختند»، درباره این جنایت نوشت: دیگه وقتی بی‌بی‌سی این تیتر رو بزنه مطمئن باشید عمق فاجعه چقدر دردناک و اسفناک بوده که نتونسته مثل همیشه سکوت کنه و بی‌تفاوت باشه.

• • •

هق‌هق و اندوه کودکانت

محمدعلی جهاندیده شاعر نیز در واکنش به جنایات رژیم صهیونیستی این شعر را در صفحه شخصی خودش منتشر کرده.

سکوت کرده جهان اشک مادرانت را
سکوت کرده شب و روز غم نشانت را
به هیچ طرح و زبانی نمی‌زند فریاد
صدای هق‌هق و اندوه کودکانت را
چقدر سرو و صنوبر به خاکت افتاده است
چقدر صبر کنم مردن جوانت را؟!
آهای غزه مظلوم غزه خونین
چگونه شعر کنم شرح داستانت را؟!
چقدر هر وجبت روضه روضه عاشوراست
چقدر مقتل ناخوانده روضه خوانت را...!
چقدر تاخته‌اند اسب بر تنت غزه
گرفته است هدف خیزران لبانت را
کجاست حَمیت قاسم سلیمانی
که باز دست شود زیر بازوانت را...؟!
آهای غزه مظلوم غزه خونین
بگیر از دل شب جسم نیمه‌جانت را
قسم به إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ غزه مظلوم
بهار می‌شکفد باغ در خزانت را

نقل قول

امیرعبداللهیان همه چیزش به شهدا می‌خورد

یکی از اولین چیزهایی که بعد از شهادت امیرعبداللهیان گوش به گوش و گوشی به گوشی چرخید، خبر «جانبازی» او بود. این در حالی است که تا پیش از شهادتش کسی نمی‌دانست این دیپلمات ۶۰ ساله جانباز شیمیایی است.

ما در یک فضایی زیست می‌کردیم که آکنده از نسیم جهاد و شهادت بود. غیر از رئیس‌مان شهید علیرضا قدمی، حداقل ۴ نفر دیگر از همکارانمان شهید شدند و تعدادی هم بعدها در طول زمان به شهادت رسیدند. امیرعبداللهیان یکی از دوستانمان بود.

از فعالان بسیج و مسجد محلشان بود و بارها به جبهه رفته بود. می‌دانید کسی که می‌پذیرد به جبهه برود، آماده پذیرش هر گونه خطر است، چرا که بالاترین عنصر وجودی انسان که جانش باشد را در معرض خطر قرار می‌دهد. امیرعبداللهیان این روحیه را تا آخر با خود نگه داشت. بسیاری از دوستان ما دوران جنگ به شهادت رسیدند. امیرعبداللهیان هم همه چیزش به آن شهدا می‌خورد اما ماند تا نقش تاریخی خودش را در این روزگار ایفا کند و فراتر از آسمان ایران بدرخشد.

گفت‌وگوی فارس با محسن مؤمنی
مدیر سابق حوزه هنری و دوست قدیمی حسین امیرعبداللهیان

یادداشت

مرتضی درخشان
روزنامه نگار

عکس: AP

رفح نام یک نفر است!

> همه تبدیل به زغال شده‌اند! آدم‌های سوخته بوی کباب می‌دهند، دودی که از رفح بلند است دود آتش نیست

یک، آدم‌ها بوی مخصوص خودشان را دارند. یک بار بروید و مادرتان را، پدرتان را بغل کنید و بو کنید، بروید خواهر و برادرتان را بو کنید، بروید همسرتان را بو کنید آدم‌ها بو دارند، عطر مخصوص خودشان، عطر تن‌شان و زیرگردن‌شان و دنیا به من یاد داده است که بیشتر از آن‌که ببوسم بو کنم، این‌طور دیرتر فراموش می‌کنم، این‌طوری دیرتر یادم می‌رود که بوی نوزاد چه‌جوری است، مثلاً وقتی برادرزاده‌ام را بغل می‌کنم زیر گلویش را بو می‌کنم.

رفح نام یک آدم است، نام یک نفر! یک نفر که بوی خودش را می‌دهد

دو، دخترک می‌گفت رفته دنبال جنازه پدرش، چندتا کربن صددرصد نشانش دادند، زغال خالص؛ گفته‌اند یکی‌شان پدرت است، با دندان‌های سفید و شکسته که از لب‌های مچاله شده بیرون آمده و چشم‌هایی که از حرارت ذوب شده‌اند! گفت من از کجا بدانم پدرم کدام است؟! زیر گلوی کدام را بو کنم؟! سرم را روی کدام شانه بگذارم؟! دست کدام‌شان را به سرم، توی موهام بکشم؟! مرد گفته بود موهای سوخته دست کشیدن ندارد. راست می‌گفت.

دو و نیم، باغبان‌ها گل را می‌برند، مردم عادی گل را می‌چینند و نخاله‌ها گل را می‌کنند! فرق‌شان معلوم است.

گل بریده شده توی آب ریشه می‌زند، گل چیده شده شانس کمتری دارد، گل کنده شده اما از همان لحظه که توی دست آدم مشت می‌شود مرده است، حتی اگر هنوز ساقه‌اش وصل باشد.

سه، سرش را نبریده بودند، له شده بود، بچه مگر چقدر گلو دارد که بگویند «برید»؟!

می‌گویند سرش را چیدند، سرش را کندند، سرش را له کردند یک طوری که خون به پیراهنش هم نرسیده بود! یکی جنازه‌اش را با بالا برده بود تا به دنیا نشان بدهد، می‌خواست خون فواره بزند روی تمام لنزها، رگ‌هاش اما له شده بود! سوخته بود! گفتم سوخته! رفح تمام آدم‌ها را شبیه هم کرده، آدم‌ها سیاه شده‌اند، کربن صددرصد! همه تبدیل به زغال شده‌اند! آدم‌های سوخته بوی کباب می‌دهند، چربی تن‌شان چکه می‌کند روی آتش! آتش را وحشی می‌کند و خودشان بوی کباب خودشان را اول می‌فهمند! دودی که از رفح بلند است دود آتش نیست، چربی سوخته است، همه جنازه‌های رفح همین بو را می‌دهند، حالا بروید زیر گردن عزیزتان را بو کنید، فکر کنید آخرین بار است تمام آدم‌ها سوختند، زنده زنده سوختند، چادر درحال سوختن به تن‌شان چسبیده بود، عین ناپالم! بوی کباب می‌آید، بوی گوشت سوخته است، بوی چربی تن آدم‌هاست! توی رفح بوی تمام آدم‌ها مثل هم شده، خاطره تمام آدم‌ها مثل هم است، رفح نام یک نفر است.

عکس نوشت

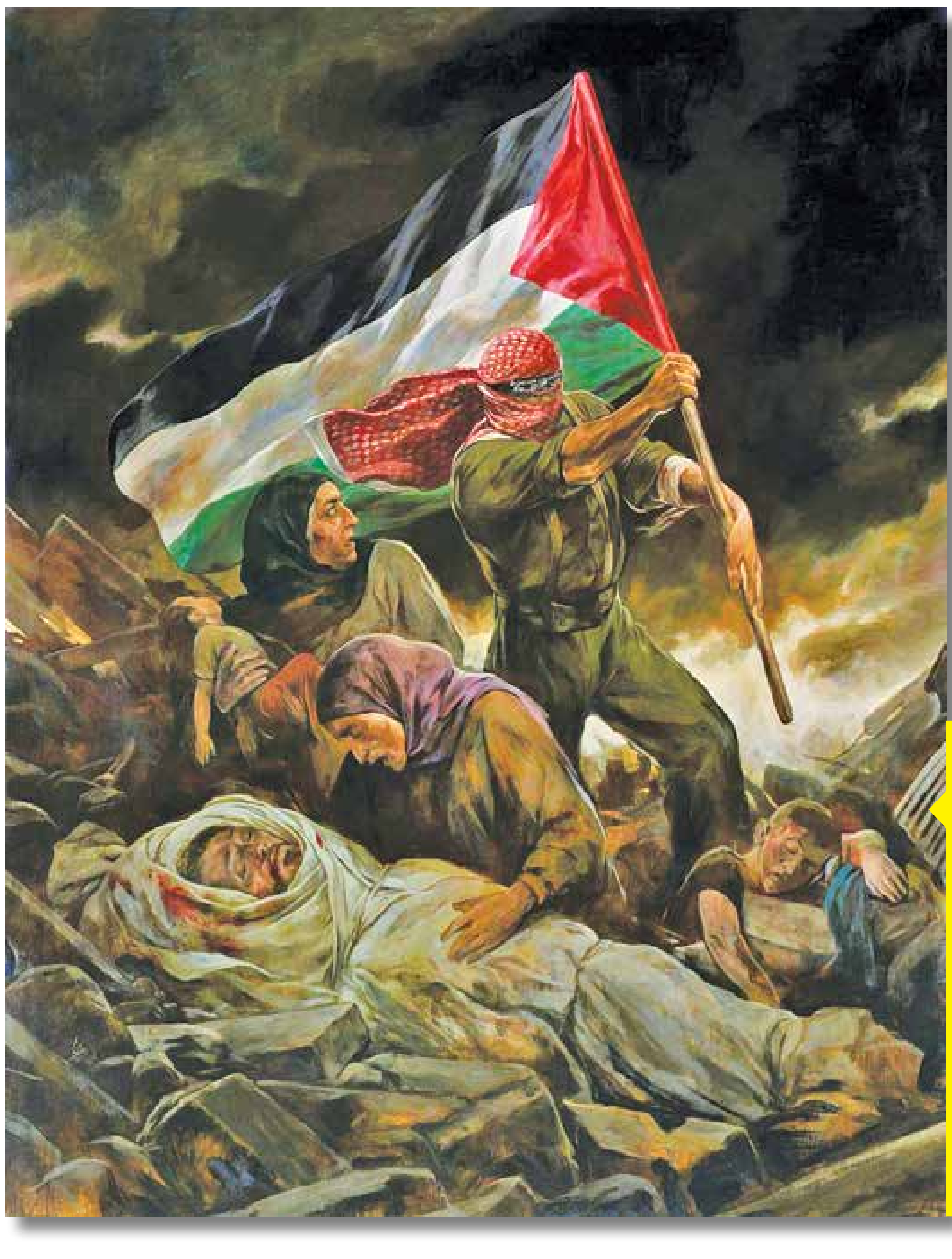

تابلوی «فَتحٌ قریب» اثر جدید حسن روح‌الامین درباره مجاهدت‌ها و مظلومیت‌های مردم مظلوم فلسطین است که بعد از عملیات طوفان‌الاقصی برای دومین جشنواره بین‌المللی رسانه‌ای صبح توسط این نقاش کار شده‌است، حسن روح‌الامین این اثر را به تمام مسلمانان و حق‌طلبان جهان تقدیم کرده است.

تابلو نقاشی:
حسن روح‌الامین

تجسم

تعریف ناپذیری «هنر»

سعید فلاح فر
پژوهشگر هنر

هنر چیست؟ هنرمند چه کسی است؟ به چه چیزی می‌توان گفت «اثر هنری»؟ آیا اطلاق این عنوان دائمی وغیرقابل خلع است؟ آیا هنر مشروط به وجود است؟ این سؤال‌ها سال‌ها مطرح بوده و همچنان مطرح باقی خواهد ماند و سؤالات جدیدی به آن اضافه خواهد شد. به‌عکس آنچه در علوم تجربی صادق است، برای پاسخ به این سؤالات نمی‌توان پایان و نتیجه‌ای قطعی فرض کرد. هیچ پاسخی نمی‌تواند به قدر کافی اغناکننده و پایدار بماند یا به قدر کافی ممتنع و «همه شمول» باشد. درعین حال تداوم خلق اثر هنری، ناگزیر به ارائه پاسخ‌های قابل اتکا، جامع و روزآمد است. در حقیقت هنرمندان با خلق هر اثر هنری، هر بار برای ارائه تعریفی متفاوت تلاش می‌کنند.

> آنچه در روزگاری بدیهی به نظر می‌رسیده، در زمانه‌ای دیگر مورد تردید جدی قرار می‌گیرد. پاسخی که مفسرین و هنرمندان به سؤالات مشترک داده‌اند، سرشار از تعارضات بنیادی است

تعریف هر «شیء» یا «پدیده»‌ای موکول به وجود یا مصادیق وجود آن است. اما «هنر» خلق اثری است که پیش‌تر مشابه آن وجود ندارد. این مشابهت می‌تواند در موضوع یا چگونگی و چیستی باشد. بنابراین «تعریف هنر» یا «تعریف اثر هنری» حداکثر می‌تواند محدود به آنچه وجود داشته یا وجود دارد، دلالت کند و درخصوص آنچه پس از آن خلق می‌شود می‌تواند نامعتبر باشد. تاریخ هنر بارها شاهد تعاریفی بوده که به تدریج منسوخ شده‌اند. بنابراین اطلاق واژه «هنر» به آثار هر دوره‌ای غیرقابل بسط و مشروط به استناد تعاریف همان دوره باقی مانده است. البته این نظر به هیچ وجه مبتنی بر ارزشگذاری این آثار نسبت به هم نیست. به تعبیری ارزشگذاری هنری تابعی از همان تعاریف وقت و شرایط و زمانه خلق اثری هنری باید باشد. منظور از «زمانه» ترکیب مؤثری از همه مشخصات زمان و مکان و فرهنگ و... است که نقش تعیین کننده‌ای در شکل‌گیری نیازها و تعاریف دارد. به عنوان مثال نمی‌توان با معیارهای هنری مکتب نگارگری هرات، اثری از مارک روتکو را ارزیابی و نقد و تحلیل کرد. یا با مقایسه تطبیقی از سلیقه قرن هفدهم پاریس به بررسی نقاشی‌های کاخ هشت بهشت اصفهان پرداخت.

> تعریف هر «شیء» یا «پدیده»‌ای موکول به وجود یا مصادیق وجود آن است. اما «هنر» خلق اثری است که پیش‌تر مشابه آن وجود ندارد. این مشابهت می‌تواند در موضوع یا چگونگی و چیستی باشد. بنابراین «تعریف هنر» یا «تعریف اثر هنری» حداکثر می‌تواند محدود به آنچه وجود داشته یا وجود دارد، دلالت کند

این مثال همچنین در عمل می‌تواند این واقعیت را یادآوری کند که هر هنرمندی در زمانه معاصر، چگونه به تعاریفی از هنر که منسوب به جغرافیای فرهنگی و دوره زمانی دیگری باشند نظر می‌اندازد.

آنچه در روزگاری بدیهی به نظر می‌رسیده، در زمانه‌ای دیگر مورد تردید جدی قرار می‌گیرد. پاسخی که مفسرین و هنرمندان به سؤالات مشترک داده‌اند، سرشار از تعارضات بنیادی است. آیا اثر هنری مستلزم «تداوم حیات» و «خلق مستمر» است؟ آیا هنر «تعهدات اجتماعی، سیاسی و ایدئولوژیک» دارد؟ رابطه مخاطب با اثر هنری تا چه اندازه حائز اهمیت است؟ در فرایند تفسیر و شناخت هنر، اثرهنری مرجع مستقل و خوداتکاست یا معطوف به شناخت هنرمند و زمانه است؟ هنر و هنرمندی نوعی موظفی شغلی است یا بروز دغدغه‌های فردی هنرمند؟ هنر تا چه اندازه به مهارت‌های فنی وفادار است؟ تا جایی که مفاهیم ظاهراً پذیرفته شده‌ای مثل «اصالت زیبایی شناسی» و تعاریف زیبایی را بازخواست می‌کند.

آیا هنر همچنان به همان اصل الزام‌آور قدیمی برای خلق زیبایی پایبند است؟ این سؤالات ظاهراً ساده محل اختلافات عمیقی است که در دوره‌های مختلف، چیستی و چرایی و حتی چگونگی هنر را تحت تأثیر قرار می‌دهد. بویژه که اگر تعریفی قائل به حضور عناصر دیگری اعم از مخاطب و فضای هنری و... باشد، همه این جزئیات در خصوص آنها هم قابل تعمیم خواهد بود.